

تحليل صرفى



سازمان ملی پروش استعدادهاى درسا بين





سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان

از نظر فاعلی (نویسنده) که مفعولش تیترا بالاست!

کلمه به کلمه توضیح می دهیم! اول می خواهیم در مورد کلمه «سازمان» صحبت کنیم! سازمان سازمان سازمان سازمان... این سازمان هم مانند بقیه سازمان ها سازمان است اما سازمان نیست! (سازمان یعنی جایی که همه چیز مرتب و منظم است و در راستای بهبود یافتن هدفی مشترک تصمیم می گیرند و ..) اینجا (اشاره به سمپاد) سازمان است سازمانی که رئیسشان بسته به مقام بالا هر کی را که صلاح (بخونید دوست!) می آورند و می برند! اصلاً سابقه فرهنگی و آموزشی که مهم نیست پس مهم چیست؟! اینجا سازمان است سازمانی که یک امتحان ورودی می گیرد ولی از لیست دیگری بچه های خود را انتخاب می کنند. اینجا سازمان است سازمانی که دیگر فقط هست و بودنش مهم است و دیگر هدف را حذف کردند! و خیلی ها دارند تلاش می کنند تا به هدفش برگردد و خیلی های دیگر دارند تلاش می کنند که باشد! اینجا سازمان است سازمانی که یک مدال برای افتخار بچه های امروز شده که آن را به گردن خود بیاویزند که افتخار کسب کرده ؛ باشند! شاید مقصر جامعه باشد؛ جامعه ای که نیاز به افتخار داشتن دارد و این یک نیاز جدی است! اینجا



سازمان نیست یعنی هر چه باشد دیگر سازمان نیست؛ جنگل کلمه بهتری است. از این کلمه با اینکه نباید گذشت اما اگر بگذریم به کلمه ملی بر می خوریم! اما قصد توهین ندارم اما دیگر همه این صفت ملی را می شناسیم! تیم ملی، کفش ملی، بانک ملی، اینترنت ملی، بنزین ملی و... کل منظوم را رساندم اما بگذارید بیشتر شرح دهم؛ ملی بودن را ما خود ساختیم! ملیت ما دیگر ملی نیست! بیایم ملی بودن را درست کنیم، ملی از واژه ملت و ملت هم از ما پدید آمده است. بگذریم با اینکه کار غلطی است. واژه بعدی پرورش است اما به تنهایی شاید مرتبط با موضوع نباشد بگذارید کل واژه "پرورش استعداد های درخشان" را با هم توضیح دهم! والا پرورش استعداد های درخشان بار مثبتی دارد یا به قول مردم پرورش گاگولا و دیوانه ها و روانی ها و... در کل اون چیزی که باید باشه نیست! اینجا اگر کسی ریاضی اش خوب نباشد به تاریخ می پیوندد اوه معذرت می خواهم اینجا علوم انسانی نیست پس کسی نمی تواند به تاریخ پیوندد و باید... اوه چه بد باید پاک شود چون در این جا صورت مسئله ها حل نمی شوند بلکه پاک می شوند. اینکه علوم انسانی درش نیست توهین بزرگی به ما و هم ملت ایران است و همین طور به علوم انسانی و عالمان آن یعنی اینکه ما استعداد های درخشانی در زمینه ی علوم انسانی نداریم (خطاب به ملت) و خطاب به ما این می شود که شما نباید در این زمینه استعداد داشته باشید و اگر دارید می توانید به عنوان گلدان استفاده کنید. مسئله این است که کلا در جامعه ایران علوم انسانی یعنی کشک (=) به معنای واقعی کشک یعنی کشک!) یا شاید ما نباید از یک سری چیزها در علوم انسانی با خبر شویم چون آنقدر که باید بفهمیم نمی فهمیم و... توهین به عالمان علوم انسانی که مشخص است. توهین به خودشان کلمه درستی نیست، اما حداقلش نباید اسم سمپاد را برای خود برمی گزیدند چون سمپاد نیستند. اینجا از طرفی سمپاد است یعنی این که سازمان ملی بخشیدن استعداد های درخشان به عبارتی دیگر یعنی آقا، خانوم، خواهرم، برادرم می توانی استعداد های خدادادی



خود را به عنوان گلدان، تشتک، پوشاک بچه استفاده کنی و شایدم اندکی از شما آن را تبدیل به خاطرات کنید تا عبرتی باشد برای دیگران؛ منظورم خوانندگانی است که وجود ندارند و اندکی هم که وجود دارند عمل در آن ها نوری ندارد. « اندک اندک ضرب شد دیگر چیزی نماند » (= <ضرب المثل) اگر دقت کنید شباهت های جالبی دارد با- قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود- فقط اینجا قطره شد اندک که کلاً در ادبیات فارسی قطره نشانه کم بودن است و جمع هم به ضرب تبدیل شد و طبق اصل ضرب یعنی کسرها در هم ضرب شدند و با توجه به علوم تجربی (که اعداد خیلی کوچک = صفر است) یعنی هیچ! (کلاً ترکیبی از علوم های انسانی و تجربی و ریاضی! به نظرم این یعنی سمپاد البته اگر از خودم تعریفی نباشه (منظورم اصلاً گرافه گویی نیست). دی! ما تضمین می کنیم هر آدمی چه با هوش چه شوت چه --- و حتی اگر آدم نباشید هم؛ با کلید همه ی درد ها یعنی "پووول" قبول و به او مدال و به او استعداد نداشته می بخشیم و اگر کمی تلاش کند به خارج کشور هم او را می فرستیم! دیگر شما سمپادی ها با واژه ی دوره آشنایی دارید معلمان ما گفتندی (به عبارتی دیگر دوره بالاتری های ما): که از دوره ما الان سرتاسر ایران رو هم جمع کنی نمی توانی یک تیم فوتبال ۵ به ۵ نفره درست کنی. این یعنی اینکه ۹۹ درصد انسان های که (توجه داشته باشید که فقط انسان ها موفق می شوند نه به عبارتی دیگر گاگولا) میان اینجا قصد خارج رفتن دارند و می خواهند که یک کاره ای شوند و به جمعیتی کمک کنند(خدمت کنند) اما وقتی که سالی یک مرکز به سمپاد اضافه می شود یعنی اینکه به شیر آب بستیم و نه تنها بی مزه شدیم بلکه شیر را هم از شیریت خودش در آوردیم و سمپاد را در کل پایین آوردیم(شاید از آنچه که بود). میدونی مقصر کیه؟! ما هستیم به چندین دلیل. اولی این است که بی توجه هستیم و می گوئیم بی خیال --- دومی این است که عمل عمل در وجود اکثری از ما نیست. سومی آن است که ۹۹ درصد سمپادی ها می گویند ایران خداحافظ و در خارج کشور مشغول



می شوند به کاری و همین طور خدمت به مردم. نمی خواهیم متحول کنم اما مثل پر کاه نباشید که هر طرف باد می رود خود را رها و به دست باد بسپارید. این کار مانند کاری است که الکل به سر شما می آورد و پس الکل حرام است و شاید دلیل دیگری! شوخی نیست به خدا، برای خنده نیست به خدا یکم میهن پرستی یکم خودخواهی را کنار بگذارید در درجه اول به جامعه خود و بعد به جهان خدمت کنید. چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است! به جرأت داد می زنم که کسری قابل توجه مغز های متفکر جهان که جهان و کشور های بزرگ را اداره می کنند ایرانی می باشند مانند کمپانی های بزرگی از جمله ناسا، گوگل، اپل و --- اما اگر کمی غیرت خود را از حالت "دیزای بل" به حالت "انی بل" بیاورید کمی به غیرتتان باید بربخورد که این شرکت ها ایران را کشور حساب نمی کنند و یعنی تو بوقی بیش نیستی. از ماست که بر ماست.

(هویج+اوری: اسلام هم آدم را به میهن پرستی دعوت کرده.) ای ایران فرار کرده ها!!!! صورت مسئله را پاک نکنین چیزی که باعث بدبختی ایران شده، می دونم که آن جا موفق ترید اما اگر همه با هم متحد شویم و همه با هم هم پیمان شویم و همه یک هدف مشترک را داشته باشیم اون روز خوب میاد؛ من با این بخاری که از شما می بینم ۲۲۶۰ ژول هم درش نیست تا یک گرم آب را تبخیر کند! با این وضع روز خوب که هیچ، هر روز بدتر از دیروز می شود. بین برای پی بردن به اشتباهات یک دقیقه لازم است که فکر کنی یک دقیقه! اما مدیونی اگر عمل نکنی، مدیون خودتی شاید دیگر نتوانی خودت را جلوی آینه ببینی! شاید شاید این شاید هاست که عامل بدبختی ماست! این ها باید به باید تبدیل شوند! ناتینگ الس! سمپاد الان همون آموزش و پرورش است که درسش را کمی پررنگ کرده پس نیازی به استعداد خاصی ندارد. حال سمپاد مجموعه ای از خرخونها شده متأسفم. این دید که در گذشته احتمالاً در بین بچه ها نبود اما در دید مردم بود، الان همگانی تر شده از چیزی که فکرش را بکنی شده! همگانی تر! حال سمپاد همانطور که گفتیم



سمباد شده است. حال سمباد سین خود را با کاف عوض کرده و کم باد شده است یا اصلا خود کلمه سمپاد پاد خود را از دست داده و فقط سم شده! و یا شایدم جاکاد (جنگل آشغال کور کردن استعداد های درخشان) حال دیگر برای یافتن فاعل این بدبختی ها دیر شده --- خیلی دیر --- یاید از نو بسازیم! اعتراف می کنم و همین طور داد می زنم سمپاد مرد و خدا بیامرزتش چقدر خدمت کرد. درست است این کلمه "سمپاد(ره)"! درست است! اگر خودخواهیم باید یک ب به بعد از د اضافه کنیم تا خودبخواییم که عمل و چیزی که تئوری بودن هدف سمپاد به ما یاد نمی دهد! تا خودبخواییم --- (جمله درست است تعجب نکنید)

فاتحه و صلوات

نویسنده : هر خری هست که هست اصل قضیه رو بچسب

پ.ن. جلوی مدرسه های سمپاد اعلامیه می دهند که کلاس های برگزار می شود که یک سمپادی را به یک خرخون تبدیل کنیم! (دقیقاً با همین تیترا) (دو نقطه پرانتز باز) پ.ن. و --- خواهش : کمکم, کمکمان کنید برای رشد این موضوع و عمل به آن

موفق و پیروز باشید و از وقتی که برای خواندن این مطلب گذاشتید بسیار سپاس گزارم و سپاس گزار تر می شوم که اگر به آن عمل کنید :دی امضاء
﴿ کلا این ها نظر من بود و درست بودن آنها هیچ لزومی ندارد ﴾

